

## بازپژوهشی اندیشه حضرت امام خمینی (ره) در مسئولیت کیفری اطفال در پرتو دیدگاه حقوقدان و جامعه شناسان

جیران بوستانی<sup>۱</sup>، اشکان قیصری<sup>۲</sup>، مهدی قیصری<sup>۳</sup>، فاطمه بوستانی<sup>۴</sup>، مهین قیصری<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup> دانش آموخته کارشناسی علوم اجتماعی، گرایش پژوهشگری دانشگاه پیام نور ممسنی

<sup>۲</sup> دانش آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون

<sup>۳</sup> دانش آموخته کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه بوعلی سینا همدان

<sup>۴</sup> دانش آموخته کارشناسی ادبیات عرب، دانشگاه دولتی اراک

<sup>۵</sup> دانش آموخته کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور واحد ممسنی

### چکیده

زمینه و هدف؛ سن کودک از جمله مسائل مهم و چالش برانگیزی است که امروزه کانون توجه حقوقدانان قرار گرفته است. افزایش تدریجی مسئولیت کیفری متناسب با میزان ادراک با شاخص قرار دادن سن، از رویکردهای پذیرفته شده جهانی برای تحقق عدالت و نشانه عدالت اجتماعی است. توجه بیشتر قوانین در تعیین سن مسئولیت کامل کیفری به بلوغ احساسی، فکری و ذهنی و به دور از هر نوع تبعیض جنسیتی است. البته بیشتر آنها در مورد ممنوعیت اعمال مجازات های سنگین، مانند اعدام و حبس ابد برای افراد زیر هجده سال، تأکید کرده اند. حضرت امام خمینی ره ضمن تأیید سن شرعی بر سن مسئولیت کیفری، تا حدی با قاعده درء و اجتهاد، این قاعده را تلطیف نموده اند. لذا در این تحقیق برآنیم ضمن بررسی قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، دیدگاه حقوقدانان و جامعه شناسان سه مکتب کلاسیک و نئو کلاسیک و مکتب تحقیقی پیرامون اندیشه ی حضرت امام خمینی ره در سن مسئولیت کیفری، را ارزیابی نماییم.

روش پژوهش؛ مطالب گردآوری شده بر اساس مطالعات کتاب خانه ای، فیش برداری، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفته است. استفاده از رسالات فقهی بویژه رساله ی حضرت امام خمینی «ره» و مقالات پژوهشی و کتب حقوقی در این زمینه نیز بهره فراوانی گرفته شده است.

یافته های پژوهش؛ یافته های پژوهش موید این ادعاست که، از یک سو نظرات حقوقدانان و جامعه شناسان بر این استوار است که با توجه به فتاوی امام خمینی و استناد ایشان به قاعده درء، می توان ادعا کرد که نظر ایشان همسو با رویکرد جهانی

مسئولیت کودک؛ که همان ۱۸ سال است. از سوی دیگر برخی حقوقدانان، دیدگاههای امام خمینی (ره) را در مورد صغیر مطابق با شرع اسلامی و سن بلوغ میدانند؛ چرا که ایشان در بیان صغیر و احکام آن می فرماید: «صغیر کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و شرعا محجور است، پس تصرفاتش در مال خودش با بیع و صلح و هبه و قرض دادن و اجاره و ودیعه دادن و عاریه و غیر اینها نافذ نیست.... اگرچه در کمال تمیز و رشد باشد و تصرفش در نهایت منفعت و صالح باشد، بلکه اذن ولی در سابق و یا اجازه بعدی وی نیز نزد مشهور فقیهان در صحت تصرفاتش، فایده ندارد و اقوی همین است». در این کلام امام (ره) به وضوح، صغیر را کسی دانسته است که از بلوغ برخوردار نیست. عنوان ذکر شده به صورت مطلق بوده و اعم از صغیر ممیز و غیرممیز می باشد.

**واژگان کلیدی:** امام خمینی ره، حقوقدانان، صغیر، بلوغ، مسئولیت کیفری

---

## ۱- مقدمه

در یک سیستم عادلانه، مجازات و مسئولیت همواره متناسب با ادراک مباشران تعیین می شود. ظهور ادراک و اراده ی آگاه در فرد تدریجی است، از این رو صلاحیت شخص برای عهده دار شدن مسئولیت کیفری و حقوقی و تشخیص قابلیت اجرای آن، به حقوق داخلی کشورها منوط شده است، بزعم جامعه شناسان الزام است تا معیارهای مناسب ملی و زیست بوم فرهنگی و جغرافیایی و منافع اطفال نیز لحاظ گردد. به این منظور در نظام های حقوقی که مفهوم سن مسئولیت کیفری را برای نوجوانان پذیرفته اند، شروع آن سن نباید در سطح بسیار پایینی در نظر گرفته شود، بلکه ضروری است تا واقعیت‌های مربوط به بلوغ عاطفی، ذهنی و عقلی وی نیز مورد توجه قرار گیرد. قرن هجدهم میلادی نقطه عطفی در تاریخ تحولات علوم مختلف از جمله حقوق جزا به شمار می رود. تا آن زمان مجازات های سخت و خشن و شکنجه های غیر انسانی رایج بود. اصولی چون قانونی بودن جرایم و مجازات ها که راه را برای خودکامگی ها و خود رأیی های قضات هموار می کرد و اصل جمعی بودن مجازات ها که منجر به مجازات بستگان، آشنایان و ... می گردید، اجرای بی چون و چرای کیفرهای شدید درباره اشخاص غیر مسؤول چون صغار، مجانین، بردگان و حتی حیوانات و اشیا که با عقل هیچ انسان عاقلی سازگاری نداشت، عدم توجه به مسأله اصلاح تربیت بزهکاران، احساسات آزادیخواهان و روشنفکران را برانگیخت. در این میان اندیشه ی حضرت امام خمینی ره در خصوص سن مسئولیت کیفری و صغر سن دارای ابعاد مختلفی است که در این مقاله از منظر حقوقدانان مورد ارزیابی قرار می گیرد. (محسنی، بی تا، ج ۱: ۱۳۸۹) مطابق ماده ۱ کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۹۸۹، سن ۱۸ سال معیار بزرگسالی شناخته شده است. اما در فقه اسلامی، سن مسئولیت کیفری برای ثبوت احکام و تکالیف، سن بلوغ می باشد و در حقوق موضوعه ایران نیز به تبعیت از فقه اثنی عشری، سن مسئولیت مدنی و همچنین مسئولیت کیفری، سن بلوغ دانسته شده است که در مواد قانونی در تغایر با قوانین داخلی و کنوانسیونهای بین المللی است. دیدگاههای حضرت امام ره که در رساله ها و فتاوی شان سن شرعی را همان سن مسئولیت کیفری و مدنی دانسته اند، در بادی نظرات ایشان مخالف با کنوانسیون های بین المللی و جهانی است. چرا که ایشان صریحا این موضوع را اینگونه عنوان کرده اند: چرا که ایشان در بیان صغیر و احکام آن می فرماید: «صغیر کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و شرعا محجور است، پس تصرفاتش در مال خودش با بیع و صلح و هبه و قرض دادن و اجاره و ودیعه دادن و عاریه و غیر اینها نافذ نیست - مگر آنچه استثنا شده است، مانند وصیت ... اگرچه در کمال تمیز و رشد باشد و تصرفش در نهایت منفعت و صالح باشد، بلکه اذن ولی در سابق و یا اجازه بعدی وی نیز نزد مشهور فقیهان در صحت تصرفاتش، فایده ندارد و اقوی همین است». (امام خمینی، ۱۳۹۲: ۱۴) اما؛ سوال اینجاست آیا با عنایت به تاکیدات حضرت امام خمینی ره بر مفهوم اجتهاد و احکام ثانویه و حکم حکومتی و در پرتو پذیرش قاعده درء، می توان نظرات و دیدگاه حضرت امام خمینی ره را در تعیین سن مسئولیت کیفری و حقوقی کودک مطابق اندیشه ی جهانی حقوقدانان دانست؟ حقوقدانان در این زمینه گویش ها و پنداشت های مختلفی داشته اند که در این مقاله ارزیابی می گردد. لذا در این نوشتار، ضمن تبیین قواعد مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان از دیدگاه حقوقدانان، به تبیین اندیشه های حضرت امام خمینی ره پرداخته شده است.

## ۲- تبیین مفاهیم اساسی

### ۲-۱- بلوغ

بلوغ در لغت به معنای رسیدن، نزدیک شدن و در شرف و آستانه چیزی بودن است. همانند آیه « فاذا بلغن اجلهن ... » (طلاق: ۶)؛ یعنی نزدیک به آن شدند و «بلغ الغلام ادرك» یعنی بالغ شد. (جوهری، ۱۴۰۰ق: ۳۸) آنچه که در منابع فقهی به چشم می خورد این است که به طور کلی به فرزند انسان از زمان تولد تا ابتدای بلوغ، کودک و یا همان «طفل» می شود. (انصاری، ۱۳۹۱ش: ۶۲)

### ۲-۲- سن مسئولیت کیفری

مسئولیت کیفری به معنای قابلیت انتساب جرم به افراد و امکان تحمیل کیفر بر آنان است. (بوشهری، ۱۳۷۹: ۳۹) مسئولیت کیفری صفت و حالتی است که همواره همراه شخص است و ارتباطی با ارتکاب جرم ندارد. تحمیل این تبعات جز بر کسی که صلاحیت تحمیل را داشته باشد، میسر نیست. (نوربها، ۱۳۸۲: ۲۱۰) از آنجا که میزان مسئولیت و مجازات مجرم باید متناسب با درجه فهم و شعور او باشد، در طول تاریخ برای کودکان متناسب با ادراک آنان، مجازات کمتری اعمال شده است مسئولیت جنایی کامل نیازمند ادراک کامل است. از این رو کسی که ادراک ناقص دارد، باید فاقد مسئولیت جنایی کامل باشد (زلمی، ۱۹۸۳: ۷۱). از جمله موضوعات بحث انگیز قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، پایین بودن حداقل سن مسئولیت کیفری اطفال بود. احتساب سن بلوغ جنسی به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری باعث شده بود که به ویژه دختران در سنی مسئولیت کیفری پیدا کنند که از توانایی های ذهنی لازم برای انتساب مسئولیت بی بهره اند. از سوی دیگر، عدم تفکیک حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری، باعث می شد که اطفال به یکباره از عدم مسئولیت مطلق به عرصه ی مسئولیت کیفری کامل گام بگذارند. قانونگذار در سال ۱۳۹۲ اقدام به تغییرات مهمی در این حوزه نمود. نخست، در جرایم تعزیری، بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری تفکیک قائل شد و سپس آزادی عمل قضات برای عدم اجرای حد و قصاص در مورد مرتکبان زیر سن ۱۸ سال را افزایش داد.

### ۳- سن مسئولیت کیفری در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲

مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران با توجه به قوانین در طول زمان تغییرات فراوان یافته است. هنگامی که قانونگذار، سنی را به عنوان حداقل سن مسئولیت کیفری مشخص می کند، به طور ضمنی این پیام را منتقل می کند که از دید وی، کودک در این سن به آن حد از بلوغ عاطفی، روانی و ذهنی رسیده است که بتواند مسئول رفتارهای خود پنداشته شود (خلاصه گزارش سازمان بین المللی اصلاحات کیفری، ۲۰۱۳: ۱) به این ترتیب روشن است که تعیین حداقل سن مسئولیت کیفری باید با در نظر گرفتن واقعیت های رشد ذهنی و روانی کودکان انجام شود. در واقع اقدام برای تعیین سنی مناسب برای مسئولیت کیفری، تکاپویی است برای رسیدن به پاسخ صحیح در این مورد که کودک در چه سنی طبیعت عملی که انجام داده است را به طور کامل درک میکند و در نتیجه، این قابلیت را دارد که مسئولیت ناشی از آن را بپذیرد (دلماژ، ۲۰۱۳: ۱۳۱) قانونگذار مجازات اسلامی ۱۳۷۰ این کار را به نحو بسیط انجام داده و مقرر کرده بود که افراد تا قبل از رسیدن به سن بلوغ، فاقد مسئولیت کیفری و پس از آن دارای مسئولیت کیفری کامل هستند. به این ترتیب با تبعیت از شیوه دفاعی و یکباره در تحقق مسئولیت کیفری اطفال، مرز بین حداقل سن مسئولیت کیفری و سن بلوغ کیفری را در

آمیخته و هر دو را یکسان انگاشته بود. توضیح آنکه، به طور کلی دو نوع نظام مسئولیت کیفری برای اطفال در کشورهای مختلف وجود دارد. در گونه ی نخست، مسئولیت کیفری اطفال، به یکباره کامل می شود. به این ترتیب که فرد تا سن مشخصی که قانون مقرر می کند، کودک محسوب می شود و فاقد هر گونه مسئولیت کیفری است و به محض گذر از آن سن، بزرگسال محسوب می شود و مسئولیت کیفری کامل پیدا می کند قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، از چنین نظامی تبعیت کرده بود زیرا اطفال تا رسیدن به سن بلوغ فاقد مسئولیت کیفری بودند و پس از آن، مسئولیت کیفری کامل پیدا می کردند و در این مورد تفاوتی بین مجازات‌های تعزیری و غیر آنها وجود نداشت گونه دیگر آن است که مسئولیت کیفری به تدریج کامل می شود. به این ترتیب که تائیک سن مشخص، فرد مطلقاً فاقد مسئولیت کیفری است و هیچ گونه واکنش کیفری در مقابل جرم ارتكابی وی نشان داده نمی‌شود. سپس وارد دوران مسئولیت کیفری تخفیف یافته می شود. به این معنا که در مقابل جرایم ارتكابی توسط وی، واکنش کیفری خفیف تری در مقایسه با بزرگسالان مرتکب جرم مشابه نشان داده می شود. با گذار از این مرحله نیز فرد وارد دوران مسئولیت کیفری کامل می‌شود، یعنی بزرگسال تلقی شده و واکنش کیفری نظام تدریجی، از این حیث که مسئولیت نسبت به وی نیز همانند یک بزرگسال خواهد بود. کیفر در آن همگام با افزایش قوه ادراک فرد تکامل می یابد، عادلانه تر است قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در یک رویکرد علمی و تا حد ممکن از نظر فقهی در این مسیر گام برداشته است و توانسته در جرایم تعزیری به سن بلوغ توجه نکند، بلکه خود صرف نظر از سن بلوغ، و بدون تبعیض بین دختران و پسران، سن خاصی را برای عدم مسئولیت کیفری مطلق، مسئولیت کیفری نسبی، و مسئولیت کیفری تام البته به شکل تخفیف یافته تعیین کرده است. دستاورد بحث براین است که اشتراط کمال عقل و رشد جزایی در مسئولیت ناشی از جرایم موجب حد و قصاص، توجه به سن خاص پانزده تا هجده سالگی تمام شمسی در جرایم تعزیری و عدم توجه به سن بلوغ شرعی، عدم تبعیض در مسئولیت کیفری بین دختران و پسران و نهایتاً افزایش سن مسئولیت کیفری دختران، دادن تکلیف و اختیار به دادگاه برای تعیین اقدامات تأمینی و تربیتی در چهارچوب مشخص و نظام‌مند در خصوص اطفال و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال تمام شمسی و عدم مسئولیت مطلق اطفال زیر ۹ سال، شاخصه‌های نظام مسئولیت تخفیف‌یافته اطفال و نوجوانان، نزد فقها وقانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ محسوب می شوند. در واقع دسته بندی ۹-۱۲ و ۱۵ تا ۱۸ از انکارات قانون مجازات اسلامی است. (الهامی، ۱۴۰۰: ۳۴-۳۸) ماده ۸۸- درباره اطفال و نوجوانانی که مرتکب جرائم تعزیری می شوند و سن آنها در زمان ارتكاب، نه تا پانزده سال تمام شمسی است حسب مورد، دادگاه یکی از تصمیمات زیر را اتخاذ می کند:

معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشاس و یگر متخصصان و همکاری با آنان  
فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرف آموزی  
اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک  
جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه  
جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

### ۱-۳- بررسی واکنش جزایی در قبال جرایم اطفال ۳ تا ۲۱ سال قانون مجازات ۱۳۹۲ با عنایت به دیدگاه های

#### حضرت امام خمینی ره

قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در یک رویکرد جدید مسئولیت کیفری تدریجی را در قوانین کیفری ایران بعد از انقلاب به رسمیت شناخت و به خلاف قوانین کیفری سابق خود، مسئولیت کیفری جهشی را کنار زد. در ق.م.ا مصوب ۱۳۷۰ تدریجی بودن مسئولیت کیفری وجود نداشت و فرد به یکباره از عدم مسئولیت مطلق به مسئولیت کیفری تام وارد می‌شود که این روند، منطقی و علمی نبود، لذا قانونگذار با تقسیم بندی اطفال و نوجوانان به چهار گروه سنی توانست به تدریج مسئولیت و واکنش اجتماعی علیه ایشان را افزایش دهد و مسئولیت کیفری جهشی را منسوخ کند. پذیرش مسئولیت کیفری تدریجی می‌تواند باعث گردد تا از این طریق مراحل نوجوانی و جوانی در عرصه مسئولیت کیفری به رسمیت شناخته شود و سیاست کیفری افتراقی معقولی در قبال تخلفات و اشتباهات این گروه از بزهکاران اتخاذ گردد. (تدین، ۱۳۸۸: ۲۴۶-۲۴۷) بنابراین باتوجه به تدریجی بودن کمال رشد و قدرت تعقل در کودکان، شدت و ماهیت واکنش اجتماعی نیز به نسبت میزان رشد و تکامل عقلی افراد متفاوت است و نباید به صورت جهشی در یک سن خاص مسئولیت کیفری را به صورت مطلق بر کودکان تحمیل نمود (طهماسبی، ۱۳۸۸: ۳۱۱) ماده ۱۱ ق.م.ا مصوب ۲۹۳۱ باتوجه به رویکرد مسئولیت کیفری تدریجی، به واکنشهای جزایی مختص اطفال و نوجوانان ۳ تا ۲۱ سال تمام شمسی متفاوت از واکنش جزایی مختص اطفال ۲۱ تا ۲۱ سال تمام شمسی تصریح کرده است. این اقدامات علاوه بر نظام مند کردن نحوه تأدیب و تربیت، سعی بر کنار زدن سلب آزادی در این گروه سنی دارد و فقط شامل پاسخ های غیر سالب آزادی می باشد که شامل آن دسته از تدابیر عدالت کیفری است که بدون زندانمداری یعنی از طریق کنار گذاشتن ضمانت اجراهای سلب کننده آزادی-واکنش نشان دادن به کودکان و نوجوانان بزهکار هستند. این نوع پاسخها عمدتاً در بستر جامعه و با بهره جستن از دیگر ظرفیت های هیئت اجتماع از جمله خانواده به اجرا در می‌آیند. (نیازپور، ۱۳۹۳: ۱۵۰) اصولاً بهترین روش برای ایجاد امنیت و تأمین دفاع اجتماعی جامعه، تربیت بزهکاران و سازگار ساختن آنها با قواعد اجتماعی و اخالقی است. این روش با اهداف تربیتی دین اسلام نیز سازگاری دارد. (رهامی، ۱۳۸۱: ۱۶۴) به نظر میرسد این مهم به خصوص در خصوص اطفال و نوجوانان ۳ تا ۲۱ سال تمام شمسی با اقدامات غیر سالب آزادی و با رعایت واکنش های ماندگار بازپرورانه به دست می‌آید به در قانون ۹۲ یه شرح زیر است:

الف: تسلیم به والدین یا اولیا یا سرپرست قانونی

ب: تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی

ج: نصیحت قضایی

بنابراین در قانون مجازات اسلامی جدید نیز در کنار پذیرش سن ۱۸ سالگی به عنوان سن کودک و نوجوان، یک تقسیم بندی دیگر نیز داشته به نحوی که دوره کودکی و نوجوانی به چهار دوره شامل بدو تولد تا ۹ سالگی، ۹ تا ۱۲ سالگی، ۱۲ تا ۱۵ سالگی و ۱۵ تا ۱۸ سالگی تقسیم کرده است. این در حالی است که به موجب قانون سابق، طفل در تبصره یک ماده ۴۹، به عنوان فردی که هنوز به بلوغ شرعی نرسیده است، تعریف شده بود. در قانون جدید ضمن اینکه سن کودک را تا ۱۸ سالگی معرفی کرده با ارائه تعریف سن بلوغ، مسئولیت کیفری را برای گروهی از اطفال و نوجوانان شناسایی کرده است تحول در جرایم تعزیری و حدود و قصاص در قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۹۲ با پذیرش مسئولیت تدریجی اطفال و نوجوانان و درجه بندی جرایم تعزیری، شاهد تحولات زیادی هستیم. این تحولات در دو بخش جرایم تعزیری و حدود و قصاص قابل توجه

است در مورد کودکان زیر ۹ سال مرتکب این جرایم، فقط اقدامات تأمینی و تربیتی اتخاذ می شود در خصوص کودکان و نوجوانان ۹ تا ۱۵ سال (دوره دوم و سوم) تصمیم هایی برای اصلاح و تربیت آنان با تأکید بر مسئولیت والدین و دیگر سرپرستان قانونی، گرفته می شود که از جمله؛ واگذاری کودک به والدین و سرپرستان قانونی با اخذ تعهد به تأدیب و تربیت کودک و نوجوان یا در صورت صلاحیت نداشتن والدین، واگذاری کودک به افراد یا موسسات دیگر قابل ذکر است. البته در این مورد مقررات مربوط به ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی، در مورد سلب حضانت از والدین نیز باید رعایت شود.

#### ۴- دیدگاه امام خمینی در سن مسئولیت کیفری

بر اساس شریعت اسلامی، اجرای تدابیر اصلاحی و تأدیبی پس از رسیدن به سن تمییز امکانپذیر است و با به کمال رسیدن تمییز که با رسیدن به سن رشد حاصل می شود، امکان مجازات کامل به وجود می آید. به نظر فقها کودکانی را که به سن تمییز رسیده اند و نسبت به عواقب کارهایی که انجام میدهند، آگاهی دارند، می توان تأدیب کرد. تأدیب و تنبیه آنان در شرع به عهده اولیای کودک و افرادی که از سوی اولیا اجازه تنبیه دارند، مانند معلمان و در مواردی مانند ضرب و شتم و جراحات عمدی به عهده قاضی گذاشته شده است. تأدیب کودک باید متناسب با شرایط او و بزه ارتكابی باشد. فتوای امام خمینی (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۸۷۸) مبنی بر تأدیب کودک حسب نظر سرپرست او نظراین فهد حلی (۱۴۱۳-۱۴۰۷ ج ۵: ۷۴) در نرسیدن تأدیب به مرحله حرج و زیان کودک، نشان دهنده لزوم توجه به تناسب تأدیب با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیب قضایی کودکان نوعی تعزیر است که قاضی برای کمک به اولیاد تربیت کودک انجام میدهد. فلسفه تأدیب در اسلام تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ گونه جنبه مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد. از اینرو تعزیر و تأدیب آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می آید. بیشتر انحرافات کودکان ناشی از سوء تربیت و بی کفایتی اولیاوست که در این حالت وظیفه حکومت بازگرداندن کودک به شیوه درست زندگی و اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی تأدیب کودکان را مجاز دانسته اند. (قطب، ۱۴۰۶، ج ۲: ۱۳۲-۱۴۴) بنابراین، عدم مسئولیت کیفری در اطفال به معنای عدم تحمیل مسئولیت تام جزایی یا اعمال مجازات های حدی و قصاص است. این سخن بر مبنای وجود مناسبت میان مسئولیت جزایی با ادراک و اراده و اختیار است و با توجه به وجود مراتب ادراک، تمییز و رشد جزایی، ضرورت وجود مراتبی از مسئولیت جزایی قابل انکار نیست. به نظر این فقها، در عدم قطع به بلوغ و وجود شبهه در آن، با استناد به قاعده درء، حدود و قصاص ساقط است (عوده، بی تا، ج ۱: ۲۱۵). به نظر آنان دلیلی بر اعتبار رشد در قصاص نیست و رسیدن به سن بلوغ شرعی یا ظهور علائم تکوینی بلوغ برای قصاص کافی است. (امام خمینی، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۱۲) در استفتایی از امام آمده است:

«سن قانونی پسر و دختر از نظر اسلام همان است که در مسأله ها آمده است، منتها برای شمول قوانین جزایی نسبت به نوجوانان کم سن و سال لازم است حد نصاب رشد عقلی در زمینه مسائل جزایی احراز شود و اگر در مواردی مشکوک باشد حدود و قصاص مشمول قاعده درء است (گروه استفتای مرکز تحقیقات فقهی امام خمینی (ره) استفتای مورخ ۲۴/۹/۷۸) « لذا می توان گفت در خصوص قاعده درء، یشبینی امکان سقوط مجازات با استناد به تردید یا شبهه در رشد عقلی مرتکب و تبدیل مجازاتهای سنگین جرایم داخل در صلاحیت دادگاه استان به مجازاتهای تعزیری خفیف تر از آن روست که بنای حدود بر تخفیف و احتیاط است و حدود شرعی با کمترین شبهه های ساقط می شوند. این که دادگاه در رشد قوای عاقله و قدرت تمییز متهم تردید کند و با تکیه بر چنین تردیدی حکم به سقوط حد کند، از مصادیق قاعده «درء» است.

## ۱-۴- تأملی در جریان قاعده درآ در صورت تردید در صغر با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)

براساس قانون های جزایی اسلام، مجرم بودن و مسئولیت کیفری داشتن مرتکب در صورت دارا بودن شرایط و عناصر لازم است که از جمله این شرایط، مطابق ماده ۱۴۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عاقل و بالغ بودن مرتکب در حین جنایت است. مسئله مهمی که در این زمینه جای طرح دارد اینکه اگر عاقل یا بالغ بودن جانی در حین جنایت مورد تردید باشد، حکم آن چیست؟ (احدی، ۱۳۹۹: ۵۱۲) برخی از فقها با جاری دانستن قاعده درآ در قصاص، قائل به عدم قصاص شده اند و برخی دیگر قاعده درآ را مختص جرایم حدی دانسته اند و اصل استصحاب را ملاک عمل قرار داده اند، اما حضرت امام خمینی ره نیز با استدلال به اصل استصحاب مختلف حکم کرده اند. نگارنده در پژوهش حاضر به شیوه توصیفی- تحلیلی پس از جاری دانستن قاعده درآ در سن مسئولیت کیفری صغیر، با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (ره) و تمسک به اصل استصحاب، در صورت تردید در بلوغ جانی به طور مطلق قائل به تقدم قول جانی شده اند. در آثار فقهای اسلام، قاعده ای به نام «قاعده درآ» مشهور است که مقصود از آن چنین است که حدود و قصاص در زمانی که شبهه ای وجود داشته باشد، نفی و رد می شود. این قاعده از احادیثی که به پیغمبر منسوب می باشد گرفته شده است که رسول خدا (ص) فرمودند: «ادرؤوا الحدود بالشبهات» (من لایحضره الفقیه، ج ۴: ۷۴). در تألیفات و آثار فقهی امام خمینی (س) بحث استدلالی حدود و قصاص نیامده است، از این جهت، اظهار نظر خاصی بر اعتبار یا عدم اعتبار حدیث «درآ» در آثار ایشان وجود ندارد. ولی در آثار فقهی ایشان به صورت اشاره و هم در فتاوی ایشان، قاعده مذکور مورد پذیرش قرار گرفته است، از جمله در ج ۴، ص ۲۶۹ کتاب الطهاره و مسئله ۸ کتاب الحدود تحریرالوسیله در بحث حدّ زنا و سن مسئولیت صغیر که ایشان فتوا می دهند و در مورد حدود الهی معتقدند به هر خبری که شایستگی شبهه را در مورد فرد داشته باشد، ساقط می شود. بنابراین ایشان به مفاد استفاده شده از این حدیث ملتزم هستند. قاعده ای درئی یکی از مهمترین قواعد جزایی فقه اسلامی و مورد پذیرش و تأکید فقیهان عامه و خاصه می باشد. این قاعده از اصول مترقی دادرسی کیفری در دین مبین اسلام بوده و با اصل برائت و اصل تفسیر شک به نفع متهم در حقوق جزا که جهان غرب در دو سه قرن اخیر با آنها آشنا شده هماهنگی دارد. با هدف ارائه تصویری روشن از جایگاه قاعده ای مذکور در محاکمات جزایی و قانون مجازات اسلامی و فتاوی حضرت امام خمینی می باشد. برای نیل به این هدف شیوه های معمول در بحث از قواعد فقهی مورد نظر قرار گرفته و پس از شرح و تفسیر واژگان قاعده، مدارک و مستندات آن مطرح گردیده است. مهمترین بحث در مورد قاعده ای درآ بررسی دامنه ای شمول آن از جهات مختلف (نسبت به انواع شبهه: شبهه ای حکمیه و شبهه ای موضوعیه - نسبت به انواع مجازات: حدود، تعزیرات و قصاص - نسبت به صاحب شبهه: متهم و شبهه ای قاضی) است. رابطه ای قاعده ای درآ با اصول و قواعد فقهی و حقوقی دیگر و نظرات فقهاء عامه نیز مورد توجه خاص قرار گرفته است. چگونگی انعکاس قاعده ای درآ در قانون مجازات اسلامی نیز با استناد به مواد مختلف قانونی به بحث گذاشته شده است. در همین ارتباط پیشنهاد می شود که جدای از استناد به قاعده ای درآ در موارد پراکنده، د ضمن اصول کلی قانون مجازات اسلامی ماده ای به طرح قاعده ای درآ اختصاص یابد. برخی از فقها، از جمله حضرت خمینی امام (ره) در صورت تردید نسبت به بلوغ جانی، در حین ارتکاب جنایت گفته اند: اگرولی دم مجنی علیه یا جانی در مورد بلوغ یا عدم بلوغ او در زمان جنایت اختلاف کنند و ولی دم، ادعا کند که جنایت در زمان بلوغ رخ داده است، اما جانی آن را انکار کند، سخن جانی همراه با سوگند مقدم می شود و بر ولی دم است ادعای خود را ثابت کند. زیرا صغر و عدم بلوغ جانی در زمان جنایات استصحاب و دیه بواسطه ی اقرار جانی در مال او و نه عاقله ثابت می شود. (امام خمینی، بی تا، ج ۲: ۵۲۲)



## ۵- نظرات حقوقدانان در مسئولیت کیفری اطفال با عنایت به رویکردهای امام خمینی ره

ذیلا به بررسی نظرات دانشمندان و حقوقدانان در مورد مسؤولیت کیفری اطفال با عنایت به تبیین اندیشه ی حضرت امام خمینی ره می پردازیم:

### ۱-۵- حقوقدانان کلاسیک و اندیشه حضرت امام ره

بنام از بنیانگذاران مکتب کلاسیک، از نظر بنیانگذاران مکتب مذکور مبنای مسؤولیت نقض قرارداد اجتماعی است و افراد جامعه با میل و اراده خود و با کمال اختیار و آزادی به تنظیم قرارداد اجتماعی مبادرت نموده اند. این افراد با رضایت مقداری از آزادی های خود را به جامعه واگذار نموده اند تا جامعه آن ها را در مقابل حوادث دیگران حفظ نماید آنان همچنین قبول کرده اند از مقررات جامعه اطاعت نمایند. حال اگر از وظیفه خود تخطی کنند دشمنی خود را با جامعه اعلام داشته اند و در چنین صورتی جامعه حق دارد آنان را به کیفر اعمال خود برساند و از آن جا که مسؤولیت و مجازات مجرم بسته به درجه فهم و شعور اوست، جامعه باید وی را متناسب با شعور و آزادی اراده مجازات نماید. حال چون اطفال بزهکار به علت صغر سن از فهم و شعور کمتری برخوردارند، قانونگذار باید در میزان مجازات آنها تخفیف قائل شود. (اردبیلی، ۱۳۸۷، ج ۱: ۱۱۱) عرف اعطای مسؤولیت کیفری را در صورتی عادلانه می انگارد که به صورت تدریجی و بر اساس میزان ادراک و رشد عقلی باشد. مبنای قراردادن نظر عرف که عقلا در این امر پذیرفته است، نمی تواند غیرشرعی و مخالفت با دین به حساب آید. توجه به عرف عقلا، علاوه بر این مورد در بسیاری از مصادیق و احکام فقهی مورد پذیرش شرع قرار گرفته است. بنای عقلا دارای حجیت ذاتی است. حرج می شود. شرع نمی تواند مصالح و مفاسد عامه عقلایی را نادیده انگارد و برخلاف آنها نظردهد (امام خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۱۳۰) نظریات مکتب کلاسیک بتدریج در قوانین قرن هجدهم کشورهای اروپایی انعکاس یافت. قانون سال ۱۸۱۰ م. فرانسه معروف به در مورد اطفال بزهکار پیش بینی قانون ناپلئون که تحت تأثیر افکار همین مکتب تدوین یافته بود. در ماده ۶۶ خود مقررات کرده بود. قانون مزبور در مورد جرایم اطفال سه اصل را مقرر داشته بود: ۱ تعیین حد صغارت ۲ پیش بینی قوه ممیزه ۳ تعیین مسؤولیت کیفری کمتر برای اطفال بزهکار حد صغارت در این قانون شانزده سالگی بود و اطفال کمتر از شانزده سال در صورت ارتکاب جرم با قوه تمییز مسؤول بودند، لیکن از کیفیت مخففه مربوط به صغر سن برخوردار می شدند اگر دارای قوه تمییز تشخیص داده نمی شدند، فاقد مسؤولیت و معاف از مجازات بودند. (شامبیاتی، ۱۳۷۷: ۳۹)

### ۲-۵- حقوقدانان نئوکلاسیک و اندیشه حضرت امام ره

انتقادات وارد بر مکتب کلاسیک از این حیث بود که موسسات تربیتی و اصلاحی به معنای واقعی در حد کافی تأسیس نشده بود و اطفال بزهکار را به زندان های معمولی بزرگسالان اعزام می کردند و در نتیجه اطفال پس از آزادی فاسد تر می شدند. از طرف دیگر سیستم مکتب کلاسیک منطبق با واقعیت های علمی نبود. زیرا تجربه نشان داده که مجازات به تنهایی برای جلوگیری از ارتکاب جرایم کافی نیست و بندرت اتفاق می افتد که تنبیه و مجازات باعث شود او دست از اعمال و رفتار ناسازگار خود بردارد؛ به همین جهت برای پیشگیری از جرایم اطفال، تغییر عوامل بی شمار اقتصادی، فرهنگی و تربیت صحیح کودکان و تنبیه مناسب آنان ضروری است. از اینرو باید با تعلیم و تربیت صحیح چنین اطفالی را از غوطه ور شدن در منجلاب فساد نجات داد. بر اساس همین طرز تفکر مکتب نئوکلاسیک پدید آمد. پایه گذاران این مکتب در خصوص اطفال بزهکار معتقد به پذیرفتن دو اصل بودند: اول آنکه دادرس بدون توجه به سن طفل متهم، صلاحیت و اختیار تام برای تعیین

قوه تمییز داشته باشد. دوم آنکه عدم مسؤولیت کیفری تا سن معینی در قوانین جزایی تعیین شود. (محسنی، بی تا، ج ۱: ۲۰۹) پیرامون نظرات حضرت امام خمینی ره در شیوه های مجازات و تربیت کودکان خاطی به نظر حضرت امام خمینی ره، تأدیپ و تنبیه کودکان با رسیدن آنها به سن تمیز و آغاز ادراک آنها نسبت به عواقب کارهاییکه انجام میدهند، امکان پذیر است. اجرای تنبیه در شرع به عهده اولیای کودک و افرادی که از سوی اولیا اجازه تنبیه دارند؛ مانند معلمان و در مواردی قاضی گذاشته شده است تأدیپ کودک باید متناسب با شرایط او و جرم ارتکابی باشد. فتوای امام خمینی مبنی بر تأدیپ کودک حسب نظر سرپرست او در تأدیپ او در حدی که موجب حرج و زیان کودک نگردد. نشان دهنده لزوم توجه به تناسب تأدیپ با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیپ قضایی کودکان در حقیقت در راستای کمک به اولیا در تربیت کودک انجام می شود فلسفه تأدیپ در اسلام، تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ گونه جنبه مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد و آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می آید. بیشتر انحرافات کودکان، ناشی از سوء تربیت و بی کفایتی اولیای اوست که در این حالت وظیفه حکومت بازگرداندن کودک به شیوه درست زندگی و اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی، تأدیپ کودکان را مجاز دانسته اند. (امام خمینی ره، ۱۳۷۹، ج ۱ و ۲: ۸۷۸-۸۷۹)

### ۳-۵- دیدگاه مکتب تحقیقی جبرگرا و اندیشه حضرت امام ره

دانشمندان جامعه شناسی مانند لومبروزو، فری و گاروفالو در صدد کشف علت بزهکاری برآمده و نظرات نوینی را در این راه ارائه نمودند که موجب پیدایش مکتب تحقیقی گردید. جبر گرایان این مکتب با نفی مختار بودن انسان به دنبال بحث علت شناسی جرایم رفتند. لومبروزو بر جبر زیستی تأکید داشت و برای عوامل شخصی و وراثتی در جرم زایی اهمیت زیادی قائل می شد، ولی فری به عوامل محیطی و اجتماعی تأکید کرد و آنگاه با امتزاج این دو دسته عوامل معتقد شد که برای وقوع یک جرم ترکیب دو گروه عوامل بزه زا اجتناب ناپذیر است: عوامل بزه زای داخلی که مربوط به ساختمان جسمی روانی و به قول لومبروزو ویژگی قهقرایی (آتاویسم) مجرم بود و عوامل بزه زای خارجی که عوامل محیطی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را در بر می گرفت. (اردبیلی، ۱۳۸۲: ۳۸) مجموع این عوامل انسان را مجبور به ارتکاب جرم می نماید. سوالی که در این جا به ذهن متبادر می شود، این است که پس با نفی هر گونه اراده، اختیار و مسؤولیت اخلاقی توسط مکتب تحقیقی منشأ کیفر از دیدگاه این مکتب چیست؟ پاسخ این است که مکتب تحقیقی نوعی مسؤولیت اجتماعی را جایگزین مسؤولیت اخلاقی می کند؛ بدین بیان که مجرم عنصر خطرناکی است و به تعبیر لومبروزو، میکروبی است که اگر طرد نشود، سبب فساد می شود، لذا دارای نوعی مسؤولیت اجتماعی است. در همین راستاست که مسأله «حالت خطرناک و اقدامات تأمینی و تربیتی حتی قبل از ارتکاب جرم توسط این مکتب مطرح گشت که تنها بر مجازات تأکید نمی کند (آقایی نیا، ۱۳۹۲: ۳۱۷) حقوقدانان در بررسی های خود به این نتیجه رسیدند که ارتکاب جرم از ناحیه اطفال علی الخصوص وابسته به علل فراوانی می باشد. این عوامل مربوط به عوامل بزه زای داخلی یا عوامل بزه زای خارجی هستند. عوامل بزه زای داخلی از ساختمان جسمی و وراثتی است. نظرات حضرت امام ره در خصوص مبنای مسؤولیت اطفال جبر و اجبار نیست؛ بلکه تغییرات، نیازها و ضروریات جامعه را در احکام فقهی نباید نادیده گرفت. بنا بر نظر مشهور فقهای امامی، بلوغ مبنای انتساب جرم به فاعل است. به تعبیر دقیق تر، رشد جسمی و عقلی لازم برای انتساب جرم به فاعل همواره و در تمام زمان ها با بلوغ به دست می آید. بر این اساس، دختران ۶ سال زودتر از پسران به ادراک کامل دست می یابند و بلافاصله عهده دار مسؤولیت کامل کیفری می شوند. بنا بر نظر آنها، تواتر

معنوی در بلوغ دختران در ۹ سالگی وجود دارد و این نظر موافق شهرت عملیه است و شهرت، موجب تشخیص حجت از لاجت است. در صورت پذیرش تعارض روایات مبنی بر بلوغ در ۹ سالگی با مضمون موثقه عمار ساباطی (بلوغ در ۱۳ سالگی)، اعراض اصحاب از عمل به این روایت از آن روست که روایات عمار خالی از اضطراب نیست البته به نظر این فقها با وجود شبهه در بلوغ، به قاعده درء استناد می شود و در نتیجه حدود و قصاص ساقط است. به نظر آنان رسیدن به سن بلوغ شرعی یا ظهور علائم تکوینی بلوغ برای اجرای حدود و قصاص کافی است. (امام خمینی ره، ۱۳۷۹، ج ۲: ۹۱۲)

### نتیجه گیری

هرچند حضرت امام خمینی در تعریف سن بلوغ و مسئولیت کیفری به مفهوم سن شرعی اعتقاد و باور دارند اما در عمل با اعتنا به قاعده درء، سلب مسئولیت اطفال را در صورت نداشتن شرایط معتقدند. حضرت خمینی امام (ره) در صورت تردید نسبت به بلوغ جانی، در حین ارتکای جنایت گفته اند: اگرولی دم مجنی علیه یا جانی در مورد بلوغ یا عدم بلوغ او در زمان جنایت اختلاف کنند و ولی دم، ادعا کند که جنایت در زمان بلوغ رخ داده است، اما جانی آن را انکار کند، سخن جانی همراه با سوگند مقدم می شود و بر ولی دم است ادعای خود را ثابت کند. زیرا صغر و عدم بلوغ جانی در زمان جنایات استصحاب و دیه بواسطه ی اقرار جانی در مال او و نه عاقله ثابت می شود. دیدگاه حضرت امام نسبت به اندیشه ی حقوقدانان سه مکتب کلاسیک و نئوکلاسیک و جبرگرایان نیز روشن و متناسب با اقتضائات زمانی است. حقوقدانان کلاسیک که مبنای عرف را در تعیین مسئولیت کیفری در نظر می گیرند، از دیدگاه حضرت امام خمینی مورد تایید است امام خمینی ره در این مورد اذعان دارند که؛ عرف اعطای مسئولیت کیفری را در صورتی عادلانه می انگارد که به صورت تدریجی و بر اساس میزان ادراک و رشد عقلی باشد. مبنا قراردادن نظر عرف که عقلا در این امر پذیرفته است، نمی تواند غیرشرعی و مخالفت با دین به حساب آید. در خصوص مکتب نئوکلاسیک که مبنای تربیت کودک را در عوامل گوناگون اجتماعی، فرهنگی و ... ارزیابی می کنند فتوای امام خمینی مبنی بر تأدیب کودک حسب نظر سرپرست او در تأدیب او در حدی که موجب حرج و زیان کودک نگردد. نشان دهنده لزوم توجه به تناسب تأدیب با شرایط کودک همانند سن، وضعیت فیزیکی و ادراکی کودک است. بنابراین تأدیب قضایی کودکان در حقیقت در راستای کمک به اولیا در تربیت کودک انجام می شود فلسفه تأدیب در اسلام، تعلیم و اصلاح اخلاق و سلوک کودک است و هیچ گونه جنبه مقابله به مثل و انتقام در آن وجود ندارد و آخرین مرحله از مراحل تربیت به حساب می آید. بیشتر انحرافات کودکان، ناشی از سوء تربیت و بی کفایتی اولیای اوست که در این حالت وظیفه حکومت بازگرداندن کودک به شیوه درست زندگی و اصلاح است که باید با ضوابط و شیوه های صحیح تربیتی صورت پذیرد. این ضوابط در مواردی، تأدیب کودکان را مجاز دانسته اند. در خصوص نظرات حضرت امام خمینی ره پیرامون جبر در تربیت از منظر مکتب جبرگرای تحقیقی، مبنای مسئولیت اطفال جبر و اجبار نیست؛ بلکه تغییرات، نیازها و ضروریات جامعه را در احکام فقهی نباید نادیده گرفت. بنا بر نظر مشهور فقهای امامی، بلوغ مبنای انتساب جرم به فاعل است. به تعبیر دقیق تر، رشد جسمی و عقلی لازم برای انتساب جرم به فاعل همواره و در تمام زمان ها با بلوغ به دست می آید.

## منابع و مأخذ

- ۱- امام خمینی، سیدروح الله، ۱۳۷۹، تحریر الوسیله، چاپ ۱ و ۲، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۲- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۲، حقوق جزای عمومی، تهران: نشر میزان.
- ۳- آقایی نیا، حسین، ۱۳۹۲، جرایم علیه اشخاص، چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.
- ۴- احدی، سیف الله، سید سجاد، عباسی، شفیع، اصل محمدی، تأملی در جریان قاعده درأ در صورت تردید در صغر و یا جنون جانی (با رویکردی بر نظر امام خمینی (ره)، پژوهش های فقهی دوره شانزدهم پاییز ۱۳۹۹ شماره ۳، شماره صفحات: ۵۱۳ - ۵۳۶
- ۵- الهامی، رضا، یوسفلو، بهروز، شفیع زاده، اکبر، بررسی ابعاد حقوقی مسئولیت کیفری اطفال با رویکرد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، دوره ۱۵، شماره ۴۳ - شماره پیاپی ۴۳، شهریور ۱۴۰۰، صفحه ۲۹-۵۳
- ۶- اردبیلی، محمد علی، ۱۳۸۷، حقوق جزای عمومی، ج ۲، تهران، نشر میزان
- ۷- ابن فهد حلی، احمد بن محمد. ۱۴۰۷ق، المهدب البارع فی شرح المختصر النافع، قم: چاپ مجتبی عراقی، موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین
- بوشهری، جعفر، ۱۳۷۹، حقوق جزا، اصول و مسائل، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۸، بزهکاری اطفال و نوجوانان، تهران: انتشارات مجد ۸-
- ۹- رهامی، محسن، ۱۳۸۱، اقدامات تامینی و تربیتی، تهران: نشر میزان
- ۱۰- نیازپور، امیرحسین، ۱۳۹۳، حقوق کیفری کودکان و نوجوانان، تهران: نشر میزان
- ۱۱- تدین، عباس، ۱۳۸۸، سن مسئولیت کیفری اطفال و واکنش های اجتماعی در برابر بزهکاری آنان در کشورهای اروپایی و ایران، مجموعه مقاله های برگزیده همایش علمی کاربردی پلیس و نظام عدالت، برای کودکان و نوجوانان، سال اول، تهران ۶۸
- ۱۲- رهامی، حسن ۱۳۸۱، رشد جزایی، علوم سیاسی و حقوق، دانشکده تهران، شماره ۵۸، صفحه ۶۱-۱۰۲
- ۱۳- نوربها، رضا ۱۳۸۲، زمینه ی حقوق جزای عمومی، تهران: کتابخانه گنج دانش، چاپ هشتم
- ۱۴- نوبهار، رحیم، ۱۳۹۱، کیفری مسئولیت و سن: امامیه فقهای مشهور نظریه بازخوانی پژوهش کیفری حقوق نامه شماره ۶، صص ۱۸۶-۱
- ۱۵- قطب، محمد. ۱۴۰۶ق، منهج التریبه الاسلامیه، بیروت: دارالشروق
- ۱۵- عوده، عبدالقادر. (بیتا)، التشريع الجنائی الاسلامی مقارنا بالقانون الوضعی، قاهره: مکتبه التراث
- ۱۶- زلمی، مصطفی ابراهیم، ۱۹۸۳، المسؤولیة الجنائیة فی الشریعة الاسلامیة: دراسة مقارنة بالقانون، بغداد: جامعه بغداد